

بدر الدین کشمیری واشتباهاتی در تعیین تألیفات او

بدر الدین کشمیری بن عبدالسلام بن سید ابراهیم الحسینی از شعراى پرکار پارسی گوی نیمه دوم عصر شانزدهم و ابتدای عصر هفدهم میلادی هند و پاکستان است .

اما شرح حال و آثار این شاعر توانا تا باین اواخر مورد نظر اصحاب تحقیق قرار نگرفته . علل رویدادن این حالت بنظر ما اگر از يك طرف دسترس اهل علم و ادب قرار نگرفتن آثار شاعر باشد . از طرف دیگر حادثه راجع باو بکلی خاموش بودن مؤلفان منابع ادبی ، دو عصر فوق الذکر بوده است . گرچندی فعالیت ادبی بدرالدین کشمیری بنا بر علمی که بعد از این تذکر خواهیم داد، در اواخر عصر شانزدهم و ابتدای عصر هفدهم میلادی در ماوراءالنهر جریان یافته است .

در دو تذکرة الشعرا که در همین تاریخ در ماوراءالنهر تألیف شده ، یعنی در «مذاکر الاحباب» حسن خواجه نثاری بخارائی و تذکرة الشعراى مطربى سمرقندی راجع باین شاعر، به علل نا معلومی ، حتى کوچک ترین اخباری دیده نمیشود . در منابع ادبی که در مدت دو عصر ذکر شده در نیم قاره هندوستان تألیف گردیده اند ، نیز وضیعت بهتر ازین نمی باشد .

یکانه منبمی که ما از آن راجع بشرح حال و آثار شاعر اطلاعات کامل میتوانیم بدست آورد ، مقدمه دفتر آخرین کتاب رسل نامه او ، یعنی مثنوی « ظفر نامه » می باشد ، که نسخه کامل آنرا ، خوش بختانه ، در اختیار خود داریم .

فقط در این اواخر راجع به آثار بدرالدین کشمیری در اتحاد جماهیر شوروی و ایران سخاخبار کوچک منتشر گردید ، که یکی از این اخبار توصیف یکی از تألیفات شاعر مسمی به « روضة الرضوان و حدیقه الفلمان » است که در

فهرست کتب خطی انستیتوی خاور شناسی اوزبکستان آورده شده ، دیگری توصیف یکی از مثنوی های او مسمی به «ظفر نامه» است که در فهرست نسخه های خطی کتب خانه آکادمی علوم تاجیکستان درج گردیده است (۱).

نهایت اخبار سوم که راجع به آن در این مقاله میخوانیم بتفصیل بیشتری بحث کنیم ، اخباری است که راجع به تألیفات این شاعر در کتاب «تاریخ نظم و نثر فارسی» تألیف استاد فقید مرحوم آقای سعید نفیسی آمده است . اخبار مزبور این است :

« بدرالدین بن عبدالسلام بن ابراهیم کشمیری از شاعران پسر کار هندوستان بودو تا پایان قرن دهم زنده بوده است و کتابهای فراوان بنظم و نثر از وباقی مانده از جمله دیوان غزلیات وی در سال ۹۷۸ هجری تدوین گردیده است ، اسکندرنامه معروف به قصه ذوالقرنین ، شمع دلفروز بروزن خسرو شیرین نظامی اتمام در ۹۷۶ هجری ، معراج الکاملین اتمام در ۹۸۱ هجری ، روضه الجمال اتمام در ۹۸۶ هجری ، سراج الصالحین اتمام در ۹۸۳ هجری ، مجمع - الاسمار تقلید از مخزن الاسرار نظامی ، ماتم سرا تقلید از منطق الطیر ، زهره و خورشید بروزن حدیقه سنائی ، مطلع الفجر بروزن سبحة الابرار جامی ، لیلی و مجنون ، رسل نامه به تقلید بوستان سعدی (۲)

دانشمند مشهور معاصر پاکستانی آقای سید حسام الدین راشدی این اخبار را بدون قید و شرطی در کتاب « تذکرة الشعراء کشمیر » عیناً درج کرده اند . (۳)

در این اخبار خیلی اشتباهات جدی موجود است . از جمله اخبار مزبور برمی آید که گویا تمام تألیفات فوق الذکر بدرالدین کشمیری تا به امروز باقی مانده است حال این که این چنین نیست ، از آثار این شاعر همچنانی که از فهرس کتب خطی کتابخانه های جهان پی می بریم ، فقط دواثر باقی مانده است که از آن های یکی « روضه الرضوان » و حدیقه الغلمان « و دیگری دفتر آخرین رسل نامه ، یعنی مثنوی « ظفر نامه » می باشد که در دو کتابخانه ذکر شده ، در اتحاد جماهیر شوروی محفوظ می باشند . اشتباهات دیگر نیز از همین قبیل اند ، که حالا به شرح همه آن ها نمی پردازیم .

زیرا خوانندگان گرامی از مطالعه قسمتی از مقدمه «ظفر نامه» بدرالدین کشمیری که در پایان این مقاله خواهیم آورد ، از حقیقت اشتباهات موجوده

بخوبی مطلع خواهند شد .

در اینجا این نکته را پیش از همه باید تذکر داد که جناب آقای نفیسی در اخبار فوق الذکر از چه منابعی استفاده برده اند ، ذکر آن در کتاب ایشان نمی آید . همان طریقی که در مقدمه این مقاله تذکر داده ایم .

منابع ادبی و تاریخی دو عصر قبلاً ذکر شده راجع باین شاعر بکلی خاموش مانده اند ، بنابر آن منبع محل استفاده قرارداد استاد فقید شاید یک چیز باشد و آن این است :

جناب استاد در یکی از مسافرت های متعدد خود بپنجابکستان به کتابخانه انستیتوی خاورشناسی تاجیکستان تشریف آورده بودند ، ما در ضمن دیگر کتب خطی « ظفر نامه » بدرالدین کشمیری رانیز منظور نظر ایشان گردانیده بودیم . ایشان در آنوقت قیدهایی باعجله بدفتر خاطرات خود کرده بودند ، هم چنین ما جلد نخستین فهرست کتابخانه را که در آن راجع بتألیفات شاعر مختصراً اخبارات داده شده بود ، بایشان تحفه کرده بودیم .

اگر خطانکنم منابع محل استفاده قرارداد ایشان در اخبار فوق الذکر حتماً یکی از این دو بوده است .

استاد فقید در آن روزها خیلی عجله داشتند ، شاید از همین جهت در قیدهای ایشان اشتباهات مزبور رخ داده باشد . یا این که از فهرست کتابخانه ما که بزبان روسی مرتب گردیده است ، بنابر اطلاعات کامل نداشتن ایشان به این زبان نکته هایی از نظر استاد دور مانده باشد .

در هر صورت ، در مسئله تعیین نمودن تألیفات بدرالدین کشمیری در تألیف سابق الذکر استاد اشتباهات رخ داده است . حالا برای این که اشتباهات مزبور بیش از این در تألیفات علمی گسترش پیدا نکند ، ما وظیفه خود دانستیم که بطریق تکمیل دادن اخبار کتاب استاد فقید ، راجع بشرح حال و تألیفات بدرالدین کشمیری بر اساس مدرک صحیح توضیحاتی بدهیم .

بدرالدین بن عبدالسلام کشمیری در سال ۹۶۱ هجری (۱۲۷۲) میلادی در کشمیر متولد شده است ، او در هنگام جوانی برای ملاقات مرشد خود خواجه سعد جو بیاری از کشمیر به ماوراءالنهر می آید . بعد از فوت خواجه سعد نیز با اولاد او در بخارا عمر بسر می برد .

همان نوعی که از تاریخ اتمام و ظفر نامه معلوم می گردد ، او تا سال

۱۰۰۱ هجری (۱۵۹۳ میلادی) در ماوراءالنهر در قید حیات و مشغول تألیفات بوده است بیش از این راجع بشرح حال او چیزی معلوم نیست .

بدرالدین راجع به تألیفات خود در مقدمه « ظفر نامه » چنین اخبارات می دهد : « حاصل الکلام پیش از واقعه مذکوره (شاعر واقعه بخواب دیدن مرشد خود را در نظر دارد که ما سطوری بعد راجع به آن توضیح خواهیم داد) از جمله منثورات و مقطعات به عدد شش مجلد مینی بر صد و پنجاه و دو جزو ما بین دوازده سال فرخنده مال بر اتمام رسیده است و اختتام یافته . چنانچه در تاریخ فضل الله (۴) یکی از مثنویات «شمع دل افروز» که وزن آن از مزاحفات بحر هزج مسدس است بعداً پنجاه هزار و پانصد بیت در مدت سه ماه از سواد خامه بر بیاض نامه گذشته است و در تاریخ خواجه سعد کبیر (۵) از جمله منثورات کتاب «معراج الکاملین» که از آن عبارت سیر حضرت مخدومی است بر عدد نود و نه جزو مشتمل بر قصاید متعدده و غزلیات متفرقه در فرصت شش ماه تمام آمده است و سرانجام گرفته و در تاریخ فخرزمانه (۶) کتاب «روضه الجمال» مشتمل بر انشاهات و قصاید و غزلیات و مثنویات و مقطعات و رباعیات و مفردات بعدد چهل جزو در مدت پنج ماه نقش بسته است و صورت پیوسته و در تاریخ ذکر الله (۷) کتاب «سراج الصالحین» که از آن اشارات بمقامات خلیفه قطب الاسلام امیر یونس محمد مروی است رحمة الله علیهما مشتمل بر انشاهات و منظومات بر عدد سی جزو در وسعت چهل روز فیروز سر انجام یافته است و نظام پذیرفته .

«در اوقات متفرقه لیالی و ایام و شهور و سنین بی آرام از قصاید و غزلیات مشتمل بر حمد و ثنای حضرت ملکه العلام عزشانه و دعا و درود جناب خیر الانام علیه السلام و مناقب آل عظام و مدایح خواجه های کرام بر عدد هفت هزار بیت از سواد کلک بر بیاض کتاب گذر کرده است و بر میزان اتمام ننشسته و در تاریخ خوش کلام (۸) کتاب روضه الرضوان که عبارت از آن مقامات جناب غوث الزمان خواجه سعد است علیه الرحمة من الملک المنان ، در مهلت يك سال بر عدد هفتاد جزو مسطور گشته است و منظور شده .»

شاعر بعد از اخبار فوق شعر زیر رامی آورد :

یکدم نگر بچشم یقین سرعت قلم
 کز چشم سررودبره صدهزار سال
 از جلوه گاه کن فیکون بر بساط صنع
 دارد گذرچو برق مجلا بقیل و قال
 بر لوح آفتاب زند نقش بی نظیر
 اوصاف حضرت ملک الملک ذوالجلال
 ثالث ز روی معجزه طوبی و سدره راست
 نخل قلم که هست برش میوه کمال
 بدری بفکر وقامت و بار تمام او
 پر کرد از شراب شفق ساغر هلال
 بعد از این بدرالدین در باره اشعار اولیه خود وصف خوبی آن‌ها توفیق
 نموده ده بیت شعر می آورد و آن را با دو بیت زیر خاتمه می دهد :

د همه جواهر معنی خیال بدر الدین
 کشد بمطلع میز آن شعر چون صراف

بحور مختلفه از دل کثیر القلب
 پدید کرد و بدرهای نظم شد و صاف

بدرالدین کشمیری آثار فوق را ، همان طریقی که در بالا اشاره نمودیم تا
 تاریخ بنخواب دیدن مرشد خود یعنی تا ماه ربیع الاول سال ۹۸۷ هجری تألیف
 کرده است .

شاعر در این تاریخ مرشد خود را بنخواب می بیند ، شاید در خواب مزبور
 بشادتی می گیرد که بعد از آن اوقفظ بنوشتن شعر مشغول می شود . او پیش از
 ذکر تعداد آثار بعدی خود حدیثی را در بابت ارزش شعر و شاعری ذکر نموده آن
 را در شعر خود چنین شرح می دهد :

پیش و پس این دو صف کبریا
 پس شما آمد و پیش انبیا

پردۀ دازی که سخن پرور است
 بساده ای از پایه پیغمبر است

شعر که بیواسطه جبرئیل
 نایب وحی آمده درقال و قیل

مبداء آن جز کشش ذات نیست

مجزه گرنیست کرامات نیست»

بدرالدین بعد از آوردن شعر فوق بذکر آثار بعدی خود چنین شروع می نماید : « همانا که بعد از آن خواب فیض یاب بنده در تاریخ اسم نظام (۹) کتاب بحر الاوزان را افتتاح نموده است ...

در تتبع مثنویات هفت گانه استادان ما تقدم رحمهم الله رقم زده كلك جواهر سلك گشته است و امثله اوزان سبعة كشيده . چنانچه : مثنوی اول از آن هفت « منبع الاشعار است » بر مثال کلام مخزن الاسرار حکیم نظامی قدس الله سره که وزن آن از مزاحفات بحر سریع است .

مثنوی دوم « ماتم سرای » است بر مثال کلام منطلق الطیر شیخ فریدالدین عطار عطر الله تر بته که وزن آن از مزاحفات بحر رمل مسدس است . مثنوی سوم « زهره و خورشید » است بر مثال کتاب حدیقه حکیم سنائی رحمة الله که وزن آن از مزاحفات بحر خفیف است .

مثنوی چهارم « شمع دل افروز » است بر مثال کلام کتاب خسرو شیرین امیر خسرو دهلوی طیب الله مشهده که وزن آن از مزاحفات بحر هزج مسدس است .

مثنوی پنجم « مطلع الفجر » است بر مثال کلام کتاب سیحة الابرار عارف گرامی مولانا عبدالرحمن جامی طاب الله ثراه و جعل الجنة مثواه که وزن آن از مزاحفات بحر رمل است .

مثنوی ششم « لیلی و مجنون » است بر مثال کلام کتاب لیلی و مجنون مولانا هاتفی نورالله مرقدہ که وزن آن از مزاحفات بحر هزج مسدس است .

مثنوی هفتم « رسل نامه » است بر مثال کلام کتاب بوستان شیخ العرب و المعجم مصلح الدین سعدی الشیرازی علیه الرحمة و الرضوان که وزن آن از مزاحفات بحر متقارب مثنی است و بسرین وزن شاهنامه فردوسی است و اسکندر نامه شیخ نظامی و خردنامه مولانا عبدالرحمن جامی و فراق نامه سلمان و تیمورنامه هاتفی . «

« حاصل المراد کتاب رسل نامه نقش انتظام بسته است و صورت اختتام پیوسته علی الحساب ابیات کثیر البرکات آن صد و شصت هزار بر کلك شمار

گذشته و در این ابیات واقعات هر طایفه از طوایف بنی آدم تا این دم طبقاً عن طبق بیان کرده شده است و عیان ساخته و در چهار دفتر فلک سیر خورشید اثر مختوم گردیده .

« چنانچه : دفتر اول « صفی نامه » است و در آن نامه نامی سی و سه هزار بیت است از بیرون آمدن ابوالبشر از دارالسلام تا ظهور مسیح بن مریم واقعات طبقات انبیای بنی اسرائیل صلوات الله علیهم اجمعین بیان کرده شده است و تمام آمده . دفتر دوم « اسکندر نامه » است مبنی بر هفت هزار بیت و در آن ابیات واقعات ذوالقرنین معلوم گردیده و مفهوم شده .

دفتر سوم « مصطفی نامه » است مبنی بر صد و چهار هزار بیت، چنانچه در چهل هزار بیت واقعات سرور کائنات علیه الصلوة و التحیات اذایام تولد تا روز وفات انتظام یافته است و اختتام پذیرفته و درسی هزار بیت دیگر از زمان خلافت امیر المؤمنین ابوبکر صدیق تا دم شهادت امیر المؤمنین حسین واقعات غزوات و محاربات طبقه اصحاب سید المرسلین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین رقم زده است خامه مشکین مشامه گشته و درسی و چهار هزار بیت دیگر از دوره خلافت معاویه بن سفیان تا روز خروج شبانی خان واقعات طبقات ملوک عرب و سلاطین عجم تحریر گشته است و تقریر شده و درین سی و چهار هزار بیت واقعات طبقه خلفای بنی امیه و واقعات طبقه خلفای آل عباسیه و واقعات طبقه سلاطین لیس و واقعات طبقه خلفای آل سامان و واقعات طبقه آل محمود و واقعات طبقه آل بویه و واقعات طبقه سلاطین سلجوقی و واقعات طبقه سلاطین اتابکان و واقعات طبقه سلاطین غوری و واقعات طبقه ملوک خوارزمشاهی و واقعات طبقات سلاطین آل چنگیز خان و واقعات ملوک آل مظفر و واقعات طبقه آل تیمور گورگان رقم زده کلک بیان گشته است .

« دفتر چهارم « رسل نامه » ظفر نامه ظل الهی است مبنی بر شانزده هزار بیت و درین ابیات انجم آیات واقعات و معجزات و غزوات جناب شاهنشاهی ... الخاقان بن خاقان بن الخاقان مظفر الدین ابوالغازی عبدالله بهادر خان بر عدد شانزده هزار بیت احسن الکلام انتظام یافته است و شصت و پنج خامه (باب) مشکین مشام بر شصت و شش داستان ابلغ النظام اختتام پذیرفته . (۱۰)

توضیحات فوق الذکر شاعر، همچنان که دیده شد، حقیقت مسئله را بکلی روشن می گرداند، بدرالدین کشمیری بعد از این توضیحات درده صفحه کتاب بابهای « ظفر نامه » را بطریق نظم ذکر نموده ، راجع بتاریخ اتمام اثر

بیت زیر را می آورد :

پس از روح نظامی سال تاریخ

بجستم گفت تاریخش نظامی (۱۱)

از این تاریخ معلوم می گردد که شاعر مثنویات هفت گانه خود را در مدت ۱۵ سال با تمام رسانیده بوده است .

حال برای این که در خوانندگان عزیز راجع به « ظفر نامه » بدرالدین کشمیری تصورات بهتری داشته باشند، ما قدری در باره همین اثر و وضع نسخه منحصراً بفرد که در کتب خانه آکادمی علوم تاجیکستان محفوظ است ، تذکراتی می دهیم .

آن اخباری که بدرالدین کشمیری راجع به « ظفر نامه » در خاطرات خود آورده است ، با وضع و حجم نسخه موجوده موافقت کلی دارد . « ظفر نامه » در حقیقت شانزده هزار بیت است و در آن لشکر کشی و کشور گشائی های حکمران ماوراءالنهر عبدالله خان شیبانی (۹۹۱ - ۱۵۸۳ - ۱۰۰۶ - ۱۵۹۸) تصویر و بیان یافته است .

کتاب عبارت از شصت و شش باب است ، ولی تصویر کشور گشائی های حکمران فوق الذکر در باب پنجاه و هشتم انجام می پذیرد . هفت باب آخر مسایل گوناگون را در بر گرفته اند .

مثلاً : باب پنجاه و نهم مرثیه ای است مبنی به وفات مرشد شاعر خواجه سعد جوپاری بخارائی ، باب شصتم در توصیف وفات شیخ جنید بغدادی است ، باب شصت و یکم در توصیف وفات شیخ بایزید بسطامی ، باب شصت و دوم در توصیف مناجات کردن امام جعفر صادق بدرگاه الهی . باب شصت و سوم در توصیف وفات افصح الشعرا فردوسی طوسی .

باب شصت و چهارم راجع به ملوک عجم ، باب شصت و پنجم راجع به مضمون حدیث قضا و قدر که مشتمل بر امور خیر و شر است . باب شصت و ششم خاتمه کتاب است .

در این باب شاعر از « ظفر نامه » نامی نبرده ، باره واقعه اتمام پذیرفتن « رسل نامه » سخن می راند بعد از شکایت از پیری و روزگار نامساعد تألیفات خود را بار دیگر ذکر می نماید .

این نکته خیلی قابل دقت است ، که بدرالدین کشمیری برخلاف عده کثیری از شعرا منابع مورد استفاده قرار داده خود را در مقدمه هر یک از هشت

باب فوق‌مثنوی ذکر کرده است، چنانچه: درباب شصت و چهارم منابع اودر ذکرملوک عجم اخبار شاهنامه فردوسی بوده است.

آن نسخه «ظفر نامه» که راجع به آن سخن می‌رانیم در زیر رقم ۶۱ (۷۷۹) در کتب‌خانه ذکر شده محفوظ بوده، ۵۹۷ ورق ۲۸ بیتی را در بر می‌گیرد. کاغذ کتاب از کاغذ نوع سمرقندی سابق است، خط آن نستعلیق است و از اول تا به آخر باجل، لاجوردو جوشه (رنگ سرخ) جدول کشیده شده است از قرار معلوم این همان نسخه کتاب است که برای کتابخانه حکمران وقت حاضر کرده شده است.

حالا ما در آخر مقاله خود، برای این که زبان، اسلوب و سبک بیان بدرالدین کشمیری را با صاحب تحقیق و خوانندگان گرامی روشن تر معرفی کرده باشیم، باب شصت و چهارم «ظفر نامه» را عیناً نقل می‌نمایم و آن این است.

خامه شصت و چهارم

مینی برهشتاد و یک بیت در ذکر فهرست ملوک ایران و این جمله چهار گروه بودند. گروه اول پیش دادیان اندو پادشاهی آنها از زمان کیومرث تا عهد گر شاسب بود، فرقه دوم کیانند و حکومت آنها از دور کیهباد تا زمان اسکندر فیلتوس بود. زمره سیم اشکانیان اندو سلطنت آنها از زمان اشک تادورا خش بود. طایفه چهارم ساسانیانند و پادشاهی آنها از عهد اردشیر تا دوره یزدجرد بود. یزدجرد در زمان امیر المؤمنین عمر کشته شد.

چنین نقش فردوسی پاک رای

کشیده بشه نامه دل گشای

چه نقشی که فردوسی از جان کشید

بشاهان شه نامه جان دردمید

که مردند و گشتند زنده همه

بسا نفاس او بر در محکمه

گر اوصاف آنها نکردی رقم

که ییاد آوردی شهان عجم

که رفتند شان و اسامی شان

چو من ماند دریاد اصل جهان

در آن دم که شه نامه خوانی کنند
 بیسان واقعات کیانی کنند
 به بیستی کیان را به چشم خیال
 که دارند از بهر دنیا جدال
 صف آرای گشته به آهنک جنگ
 زمین وزمان کرده از جنگ تنگ
 کشیده به میدان مردی صفوف
 چو تصویر و امواج خار اوصوف
 پس افواج آن قوم دارا نماند
 بگرداب امواج خارا نماند
 جهان را نگر مثل بحر السراب
 سریع الزوال و خیالست و خواب
 پیاپی رسیدند شاهان کسی
 پیاپی رسیدند و رفتند کسی
 نخستین کیومرث زیر سپهر
 ز شاهی علم زد به دوران مهر
 پس آنکه به هوشنگ ملک عجم
 مسلم شد و سکه زد بر درم
 پس آنگاه طهمورس دیوبند
 کشیده سر از آفتاب بلند
 پس آنگاه جمشید پر کرد جام
 ز صهبا و بزم آمد او را تمام
 پس آنگاه ضحاک تازی زمار
 بر افراشته از سرکین منار
 پس آنکه فریدون فرخ نژاد
 بشمیر ضحاک را داد داد
 پس آنکه منوچهر ایرج جهان
 گرفت و جهان ماند چون دیگران
 پس آنگاه نودز سر شوق و جاه
 کشید از گریبان گردون چوماه

پس آنگاه طهماسب آن انجمن
 بیجا راسته مثل باغ و چمن
 پس آنگاه گرشاسب خاتم گرفت
 بزیر نکین نصف عالم گرفت
 پس آنگاه شد پادشاه کیقباد
 که دارد سپهرش زکی بازباد
 پس آنگاه کاوس کی سرفراشت
 بهاهنشهی افسر زر فراشت
 پس آنگاه کیخسرو کامیاب
 به پیمود با کاسه سر شراب
 پس آنگاه لهراسب رخس ظفر
 زباد صبا تساخته تیز تر
 پس آنگاه گشتاسب پادر رکیب
 زد و آخر آمد ز بالا نشیب
 پس آنگاه بسر تاج بهمن زده
 بیروز ظفر گرز دهمن زده
 پس آنگاه ظل افکنند پر همای
 بفرق سرش پادشاه شد همای
 بسلطانی اش خوانی آزاد چهر
 که افروخته چهره ماه و مهر
 پس آنگاه داراست دارای دهر
 شده دهر دارا نماندش بشهر
 پس آنگاه اسکندر فیلقوس
 بنوبت زده در جهان بانگ کوس
 پس آنگاه در دیده مردم اشک
 در آمد چو مردم برون شد چواشک
 پس آنگاه نکین شاه شاپور یافت
 فروغ رخ پادشاپور یافت
 پس آنگاه گودرز بالای تخت
 نشست و فلک ماند در پای تخت

پس آنکه بکف جام نرسی نمود
 مه چارو دو پنج درسی نمود
 پس آنکه بر تخت رفت اردوان
 به تخت اردوان رفت و آمد دوان
 پس آنکه همان تخت خسرو گرفت
 سر ماه جام از سر نو گرفت
 پس آنکه فلک گشته بر کام رخس
 زیکه بخش کرده زمین هفت بخش
 پس آنکه علم بر کشید اردشیر
 ز سر پنجه در زیر آورد شیر
 پس آنکه شاپور ثانی علم
 کشید و بمه ماند نقش درم
 پس آنکه بکف تیغ هرمز گرفت
 جهان رازچین تا به هرمز گرفت
 پس آنکه بهرام شد پادشاه
 به يك برج آورد ماهی و ماه
 پس آنکه نرسی بر آداست بزم
 پس از بزم آرامت صفهای نرم
 پس آنکه بشاپور نبوت رسید
 بگردون سر پادشاهی کشید
 پس آنکه شد ثانی اردشیر
 بملک جهان شاه و آمد دلیر
 پس آنکه شاپور ملک جهان
 گرفتست بر کام چون دیگران
 پس آنکه شاپور ثالث سریر
 گرفت و نمود از سکندر نظیر
 پس آنکه لهراسب شاهی گرفت
 بزیر نگین ماه و ماهی گرفت
 پس آنکه زد چتر بهرام گور
 نبرد از جهان بهره جز خاکه گور
 پس آنکه جهانگیر شد یزد گرد
 چوشاهان دیگر جهان کرد گرد
 پس آنکه شد هرمز نام جوی
 شهنشاه در عالم چارسوی

پس آنگاه بر کام پرویز شاه
 شب و روز گردید خوردشید و ماه
 پس آنگاه بعالم علم زد بلاش
 بالاخره فرو برد سیل بلاش (۹)
 پس آنگاه دوران نوشیروان
 شد و بعد چهل سال رفت از جهان
 پس آنگاه هرمز علم بر فراشت
 چو نوشیروان مسند و تاج داشت
 پس آنگاه خسرو بسان پدر
 یکف ماند جام و بسر تاج زر
 پس آنگاه شیرویه در روزگار
 بیک رنگ آورد لیل و نهار
 پس آنگاه بمسند نشسته قیاد
 پس از کیقبادش فلک کرده یاد
 پس آنگاه دگر دختر آزر نام
 زمانه گرفته سراسر بکام
 پس آنگاه شد شاه فرخ نژاد
 چه فرخ که از ماه و خوردشید زاد
 پس آنگاه شد پادشاه یزدجرد
 فلک یاد آورد از و یزد گرد
 بروختم شد خاتم خسروان
 بگردید مختوم ساسانیان
 چو اعلام اسلام ز اوج کمال
 فکندند بر عین عالم ظلال
 عجم را عرب و ش زبیت الحرام
 گرفتند اصحاب خیر الانام
 سلاطین عالم بس روی قبول
 زده مهر مهر اطعمو الرسول
 نزد سکه برسیم وزر یزد جرد
 سپاه فراوان بهم کرد گیرد
 بصفهای اسلام آهنک جنگک
 نمود و جهان کرد بر خویش تنگ
 بگردید مغلوب و رفته بمرو
 فتنه بجام اجل چون تذر و

مرو راسرو تاج بر بهاد رفت
 فلک را صف و خیلش از یاد رفت
 که يك آسیابان زدش خیره سر
 گرفت از میانش کمر بند زر
 بتفصیل اگر خواهی این داستان
 گشا چشم و در مصطفی نامه خوان
 دگر در جهان کفر باقی نماند
 می کفر شد ختم و ساقی نماند
 بعالم علم نور اسلام زد
 سر ظلمت پرده بر شام زد
 گرفته جهان ملت مصطفی
 فزوده صفا بر صفا بر صفا
 که هر دو جهان جسم و جان دین اوست
 خرد قطره‌ی بحر تمکین اوست
 علیه التحیات فی العالمین

من الرأس والعین والقبلتین
 بیا ساقی و جام بزم قبول
 بمن کن عنایت به عشق رسول
 سرم مست گردان ز صهای آل
 که مانم سر صدق بر پای آل (۱۲)

- ۱ - فهرست کتب خطی آکادمی علوم تاجیکستان ، جلد یکم ص ۷۳
- ۲ - سعید نفیسی . تاریخ نظم و نثر فارسی جلد یکم ، ص ۴۴۴
- ۳ - سید حسام الدین راشدی ، تذکرة الشعراء کشمیر جلد یکم . ص

۱۳۲ - ۱۳۳

- ۴ - تاریخ فضل الله - ۱۵۶۹/۹۷۳
- ۵ - تاریخ فخر الزمانه - ۱۵۷۶/۹۸۳
- ۶ - تاریخ خواجه سعد کبیر - ۱۵۷۴/۹۸۱
- ۷ - تاریخ ذکر الله - ۱۵۷۹/۹۸۶
- ۸ - تاریخ خوش کلام - ۱۵۸۹/۹۹۷
- ۹ - تاریخ اسم نظام - ۱۵۹۳/۹۹۱
- ۱۰ - بدرالدین کشمیری . ظفر نامه ، نسخه محفوظ در کتابخانه آکادمی علوم تاجیکستان ، رقم ۶ ورق ۷ - ۱۷
- ۱۱ - تاریخ نظامی - ۱۵۹۳/۱۰۰۱
- ۱۲ - بدر الدین کشمیری - ظفر نامه نسخه ذکر شده ، اوراق ۵۷۶ - ۵۷۹